



Sources and Challenges Regarding the Occasions of Revelation (Asbab al-Nuzul)

Seyed Mahmoud Tayeb Hosseini

Professor, Department of Qur'anic Studies, Research Institute for Hawzah and University, Qom, Iran.

Orcid: 0000-0001-5681-0270

Email: tayebh@rihu.ac.ir

Ibrahim Rezaei

Assistant Professor, Al-Mustafa International University (SA), Isfahan, Iran.

Orcid: 0000-0003-4369-9811

Email: erezaei@ymail.com



Citation

tayeb hoseini, S. M. and rezaei, E. (2025). Sources and Challenges Regarding the Occasions of Revelation (Asbab al-Nuzul). (e735113). *Quranic Studies*, 5(15), e735113 doi: 10.22034/qs.2025.735113

[10.22034/qs.2025.735113](https://doi.org/10.22034/qs.2025.735113)

Type of Article: Research Article

Received: 2025/12/01

Revised: 2026/02/11

Accepted: 2026/02/19

Publish Online: 2026/09/12

Abstract

Asbab al-Nuzul (occasions of revelation) is a fundamental concept in Quranic sciences, referring to the examination of events and contexts surrounding the revelation of verses. This topic has long been of interest to Quranic scholars and commentators. However, challenges such as the extent of asbab al-nuzul, the manner of generalizing a verse's ruling, the limits of the influence of the cause of revelation, numerous shortcomings in its narratives, and the significant impact of this knowledge on the science of interpretation and understanding the divine intent in the Quran, highlight the necessity of re-examining this subject. This research, employing a descriptive-analytical methodology, introduces the sources of knowledge regarding asbab al-nuzul, the scope of their application, their functions, significant difficulties in the narratives of asbab al-nuzul, and ways to overcome them. The existence of non-independent sources of knowledge such as Imam Ali's (a.s.) Mushaf, narrative and juristic interpretations, comprehensive interpretive works, and independent sources like single asbab al-nuzul compilations and al-Rawandi's works, a methodological shift in the discussions of asbab al-nuzul by al-Zurqani, functions such as assisting in the correct understanding of verses and preventing misinterpretations, numerous difficulties in the narratives of asbab al-nuzul such as weak chains of transmission, conflicting accounts regarding a single verse, inconsistencies with the context or time of revelation, and assertions of multiple causes of revelation, distinguishing between terms denoting the cause of revelation, and attending to the phenomena of fabrication and distortion in some narratives, as ways to overcome these shortcomings, are among the findings of this research.

Keywords

Asbab al-Nuzul, Sources of Asbab al-Nuzul, Benefits of Understanding Asbab al-Nuzul, Critique of Asbab al-Nuzul Narratives, General and Specific Occasions of Revelation.





قرآن پژوهی (فصلنامه تخصصی)
سال چهارم / شماره ۱۵ / بهار ۱۴۰۴
نوع مقاله: پژوهشی
<https://www.iict.ac.ir>
...

اسباب نزول قرآن؛ منابع و چالش‌ها

سید محمود طیب حسینی

استاد گروه قرآن پژوهی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران.

Email: tayebh@rihu.ac.ir

Orcid: 0000-0001-5681-0270

ابراهیم رضایی

استادیار جامعه المصطفیٰ العالمیه، اصفهان، ایران.

Email: erezaei@ymail.com

Orcid: 0000-0003-4369-9811



استناد به این مقاله:

طیب حسینی، سید محمود و رضایی، ابراهیم. (۱۴۰۴). اسباب نزول قرآن؛ منابع و چالش‌ها (e). ۷۳۵۱۱۳. قرآن پژوهی، ۵(۵)، ۵۱۵. doi: ۷۳۵۱۱۳/qs.۱۰/۲۲۰۳۴

[10.22034/qs.2025.735113](https://doi.org/10.22034/qs.2025.735113)

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۱۱/۲۲
تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۵/۱/۲۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۹/۱۰
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۳۰

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

اسباب نزول از مفاهیم بنیادین در علوم قرآن و ناظر به بررسی وقایع و زمینه‌های نزول آیات است. این مبحث از دیرباز مورد توجه قرآن‌پژوهان و مفسران بوده است اما وجود چالش‌هایی همچون میزان گستردگی اسباب نزول، چگونگی تعمیم حکم آیه و حدود تأثیر سبب نزول، آسیب‌های متعدد در حوزه روایات آن و تأثیر مهم این علم بر دانش تفسیر و فهم مراد الهی در قرآن، ضرورت بازخوانی این مبحث را روشن می‌کند. این پژوهش به روش توصیفی تحلیلی به معرفی منابع شناخت اسباب نزول، گستره شمول اسباب نزول، کارکردهای شناخت آن، دشواری‌های مهم در روایات اسباب نزول و راه برون‌رفت از آنها پرداخته است. وجود منابع غیر مستقل شناخت اسباب نزول مانند مصحف امام علی علیه السلام، کتاب‌ها و تفاسیر روایی و تفاسیر اجتهادی جامع و منابع مستقلی مانند اسباب نزول واحدی و راوندی، وقوع دگرگونی روشی در مباحث دانش اسباب نزول توسط زرکشی، کارکردهایی همچون کمک به فهم صحیح آیات و جلوگیری از برداشت‌های نادرست، وجود دشواری‌های متعدد در روایات اسباب نزول مانند ضعف سند، نقل‌های متعارض درباره یک آیه، ناسازگاری با سیاق یا زمان نزول آیه و قول به تعدد اسباب نزول، تفکیک میان واژگان دال بر سبب نزول و توجه به پدیده جعل و تحریف در برخی روایات به‌عنوان راه‌های برون‌رفت از این آسیب‌ها، از جمله یافته‌های این پژوهش است.

واژگان کلیدی

اسباب نزول، منابع اسباب نزول، فواید شناخت اسباب نزول، آسیب‌شناسی روایات اسباب نزول، شأن نزول عام و خاص.



مقدمه

اسباب نزول یکی از مباحث کهن در علوم قرآن است که بحث از آن به عصر صحابه بازمی‌گردد؛ بسیاری از آیات قرآن در بستر وقایع اجتماعی، پرسش‌های اعتقادی و رخداد‌های تاریخی نازل شده‌اند و توجه به این امر نقش مهمی در کشف مراد الهی دارد. این مبحث همواره با چالش‌های علمی و روش‌شناختی متعددی مواجه بوده که کاربست آن را در تفسیر قرآن با دشواری‌هایی همراه ساخته است. نسبت میان سبب نزول و دلالت آیه و اشکالات متعدد در روایات سبب نزول از مهم‌ترین آنهاست. این پژوهش می‌کوشد ضمن معرفی منابع شناخت اسباب نزول از عصر نزول تاکنون و معرفی گستره و کارکردهای آن، چالش‌های مربوط به روایات در این باره را واکاوی و معیاری برای ارزیابی آنها ارائه نماید. پاسخ به این امر زمینه‌ساز فهم دقیق آیات و پیرایش میراث تفسیری از نقل‌های ناتمام یا نادرست و ارتقای روش‌شناسی مطالعات قرآنی در این حوزه است.

۱. مفهوم‌شناسی

پیش از ورود به مباحث اصلی لازم است برخی مفاهیم مؤثر در تحقیق مورد بررسی قرار گیرد.

۱-۱. اسباب نزول

«سبب» در لغت به معنای ریسمانی است که به وسیله آن از چاه آب کشیده می‌شود؛ این واژه به مرور در کاربردهای بعدی، به طور استعاره، درباره هر وسیله‌ای که ابزار رسیدن به هدف باشد به کار رفته است (ر.ک: فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۷، ص ۲۰۳/ ابن‌اثیر، ۱۳۶۴، ج ۲، ص ۳۲۹).

در اصطلاح علوم قرآنی، در آغاز، پیشینیان به زمینه‌هایی که موجب فروفرستادن سوره یا آیه‌ای بود، «سبب نزول» می‌گفتند (زرقانی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۷۶)؛ در قرن چهارم و پنجم قمری اصطلاح «اسباب نزول» رواج یافت (بهجت‌پور، ۱۳۹۲، ص ۲۸۵) و پس از آنکه بعدها اصطلاح «شأن نزول» رایج شد، برخی این دو را به جای یکدیگر به کار برده و آنها را به یک

اسباب نزول قرآن؛ منابع و چالش‌ها

معنا دانستند (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۲۵۱ / مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۳۱۲-۱۴۵ / همان، ج ۲، ص ۶۳-۷۲)؛ درمقابل، گروهی نیز به وجود تفاوت‌هایی میان این دو اصطلاح اشاره کرده‌اند؛ از جمله آنکه سبب نزول، واقعه، مشکل یا پرسشی است که زمینه‌ساز نزول آیه شده است؛ در نتیجه، آن حادثه یا پرسش، علت نزول آیه خواهد بود، در حالی که شأن نزول، اعم از حادثه‌ای است که در زمان نزول آیه رخ داده یا موضوعی که پیش‌تر اتفاق افتاده است؛ چنان‌که روایت برخی از آن رویدادها در کتب آسمانی پیشین نیز آمده و قرآن، آنها را بازگو می‌کند (ر.ک: معرفت، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۲۵۴).

برخی بر این باورند که در کتاب‌های آسمانی پیشین، سخنی از سبب نزول به میان نیامده است؛ زیرا همه کتاب، به‌طور یک‌جا و به‌صورت دفعی بر پیامبر هر زمان نازل می‌شد (ر.ک: طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۹، ص ۸ / طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۲۶۵ / ابوحیان اندلسی، ۱۴۲۰، ج ۳، ص ۱۶)، اما از آنجاکه نزول قرآن تدریجی بوده، بحث سبب نزول درباره آن مطرح می‌شود؛ هرچند این به‌معنای وجود سبب‌های خاص نزول برای تمام آیات نیست.

۱-۲. منابع شناخت اسباب نزول

آثار غیرمستقل: از آنجاکه مسلمانان صدر اسلام در فضای نزول سوره‌ها و آیات، حضور داشته و رویدادهای مرتبط با آنها را مشاهده می‌کردند، به اسباب نزول آن نیز توجه داشتند؛ نخستین اثری که این اسباب را در خود جای داده، مصحف امام علی علیه السلام است (ر.ک: عاملی، ۱۳۷۷، ص ۱۲۵، مقاله مصحف امام علی علیه السلام)؛ پیش از تدوین کتاب‌های مستقل در این زمینه، بسیاری از روایات اسباب نزول در کتب روایی به‌صورت پراکنده یا در فصل‌هایی که به تفسیر قرآن اختصاص داشت گزارش گردید (ر.ک: بخاری، ۱۴۰۱، ج ۵، ص ۱۴۶ / کلینی، ۱۳۶۳، ج ۶، ص ۴۰۶ / نووی، ۱۴۰۷، ج ۱۸، ص ۱۵۲).

در کنار مصحف امام علی علیه السلام، تفسیرهای روایی را باید دومین دسته از منابع غیرمستقل اسباب نزول دانست؛ چراکه در سده‌های آغازین، بیشتر آثار تفسیری به جمع‌آوری روایات تفسیری اختصاص داشتند (معرفت، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۳۴۹) که در آنها بخش زیادی از روایات

اسباب نزول نیز بیان گردیده است؛ این روایات همچنین در تفسیرهای اجتهادی جامعی که از حدود قرن پنجم به بعد تألیف شده (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲) انعکاس یافته‌اند.

آثار مستقل: نخستین اثر مستقل در این زمینه، التزیل یا اسباب النزول، اثر علی بن عبدالله بن جعفر مدینی بصری (م. ۲۳۴ق) است؛ در قرن چهارم ظاهراً در این خصوص اثری به ثبت نرسیده است، اما پس از آن چند اثر در این باره تدوین گردید که عبارت‌اند از: القصص و الأسباب التي نزل من أجلها القرآن تألیف مطرف اندلسی (م. ۴۰۲ق) و پس از آن کتاب معروف اسباب النزول، نوشته واحدی نیشابوری (م. ۴۶۸ق) (ر.ک: حاجی خلیفه، [بی تا]، ج ۱، ص ۷۶)، اسباب النزول، اثر قطب‌الدین راوندی (م. ۵۷۳ق) (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۱۲) و الأسباب النزول، تألیف ابن شهر آشوب (م. ۵۸۸ق) (حاجی خلیفه، [بی تا]، ج ۱، ص ۷۷).

تا این زمان، تنها به بازگویی رویدادهای زمینه‌ساز نزول آیات بسنده می‌شد، اما از آن پس، زرکشی (م. ۷۹۴ق) در البرهان فی علوم القرآن، شیوه بحث را دگرگون کرده و برای نخستین بار مباحث نظری و مبانی این دانش را به صورت جامع گردآوری نمود (ر.ک: زرکشی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۲۲)؛ وی مباحث کتاب خود را در چند محور سامان داد که از مهم‌ترین آنها می‌توان به اهمیت و فایده اسباب نزول، تعدد نزول، مخصص نبودن مورد نزول، الفاظ دال بر سبب نزول، تأویل در اسباب نزول و... اشاره کرد؛ پس از زرکشی، سیوطی نیز در الإقتان شیوه او را با افزوده‌هایی اندک پی گرفته (ر.ک: سیوطی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۸۷) و گروهی از متأخران نیز شیوه مزبور را ادامه دادند (زرقانی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۷۶/ر.ک: معرفت، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۲۴۱-۲۶۷).

در دانشنامه لایدن نیز مقاله‌ای با نام «اسباب نزول» ارائه گردیده است که بحث‌های گوناگونی را پیرامون این موضوع در خود دارد؛ همچون: تبیین موضوع و تأثیر اسباب نزول در تفسیر صحیح آیات، چگونگی شکل‌گیری و تدوین اسباب نزول، و معرفی برخی آثار مرتبط؛ در نوشتار یادشده همچنین بهترین کارکرد این روایات «تاریخ‌مندکردن قرآن» دانسته شده است؛ در مجموع به نظر می‌رسد مقاله یادشده فاقد جامعیت لازم بوده و به سرفصل‌های اصلی بحث؛ مانند منابع شناخت اسباب نزول، شمارگان روایات اسباب نزول، فواید شناخت اسباب نزول و به‌ویژه آسیب‌ها و دشواری‌های سبب نزول نپرداخته یا به‌شکل جدی آنها را بررسی

نکرده است (see: Rippin, 2006, pp.569-572)؛ دانشنامه راتلج نیز تنها در یک پاراگراف بسیار کوتاه و ناکافی به این بحث اشاره کرده است (Wheeler, 2006, p.82).

۱-۳. شمارگان روایات اسباب نزول

برخی از مفسران، آیات قرآن را دو دسته دانسته‌اند: یک دسته که بیشتر آیات را تشکیل می‌دهند، در آغاز و بی‌آنکه سبب خاصی داشته باشند، وحی شده و دسته دوم که دارای سبب خاص بوده و در پی رویداد یا در پاسخ به پرسشی نازل شده‌اند (ر.ک: سیوطی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۱۰۷/زرقانی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۸۳)، ولی به باور برخی از پژوهشگران معاصر، اسباب نزول دوگونه‌اند: سبب نزول عام که به آیات نازل شده فراخور نیازهای گوناگون معرفتی و هدایتی مردم مربوط است؛ هرچند حادثه اجتماعی خاصی که توجه مردم را به ضرورت نزول آیه جلب کند، رخ نداده باشد؛ برای مثال در عهد عتیق ادعا شده است که پروردگار پس از شش روز، از آفرینش آسمان‌ها و زمین فارغ شد و روز هفتم، خستگی خود را با آرامش برطرف کرد (گلن، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۳۱)؛ آنگاه این ادعا به‌عنوان یک سبب نزول عام موجب شده تا هنگامی که قرآن درباره آفرینش آسمان‌ها و زمین سخن می‌گوید به این نکته اشاره کند که خداوند از آفرینش آنها خسته نشده است: «وَلَيَبْقَىٰ خَلْقُهُنَّ» (احقاف: ۳۳)؛ «وَلَا يُؤْدُهُ حِفْظُهُمَا» (بقره: ۲۵۵)؛ گونه دوم، سبب نزول خاص است که حوادث، پرسش‌ها و زمینه‌های نزول آیات را در برمی‌گیرد؛ بر اساس این تقسیم‌بندی همه آیات، دارای سبب نزول عام هستند، اما سبب نزول خاص، تنها به بعضی از آنها اختصاص دارد (حجتی، ۱۳۷۷، ص ۱۹-۲۰)؛ افزون بر آنچه بیان شد، برخی از اندیشمندان از وضعیت عمومی که باعث نزول تمام قرآن بوده با عنوان «جوّ نزول» و از موقعیتی که باعث نزول یک سوره گردیده به «فضای نزول» تعبیر کرده‌اند (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۲۳۵-۲۳۶).

مجموع روایات مربوط به اسباب نزول، حدود نهصد روایت است که افزون بر نیمی از آن به صحابه تعلق داشته و از میان آنها بیش از سیصد روایت از ابن عباس نقل شده و پس از وی بیشترین روایات، از آن جابر بن عبد الله، انس بن مالک، عایشه، عبد الله بن مسعود، عبد الله بن عمر و ابوهریره است (ر.ک: نکونام، ۱۳۸۰، ص ۱۴۸).

افزون بر روایات صحابه و تابعان، از امامان شیعه^{علیهم‌السلام} نیز روایاتی درباره اسباب نزول بازگو شده است؛ توجه به این نکته نیز ضروری است که در میان روایات ائمه^{علیهم‌السلام} روایاتی وجود دارد که در ظاهر، حاکی از سبب نزول است، ولی آنها را باید از باب جری و تطبیق و ذکر مصداق برای آیه دانست؛ نمونه‌ای از این روایات را می‌توان در ذیل سوره‌های مکی لیل، عادیات و اخلاص مشاهده نمود که نزول این سوره‌ها را به حوادثی در دوران مدینه پیوند می‌زند (ر.ک: کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۵۰۶/ بحرانی، ۱۳۶۳، ج ۵، ص ۷۳۲-۸۰۰/ مجلسی، ۱۴۰۳، صص ۹۰، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۰۰ و ۱۸۲).

۴-۱. سودمندی‌های شناخت اسباب نزول

نقش تأثیرگذار اسباب نزول در فهم و تفسیر آیات تردیدناپذیر است (معرفت، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۲۴۱-۲۴۲)؛ امیرمؤمنان^{علیه‌السلام} در بیان برتری خود در دانش تفسیر، آگاهی خویش به مکان و زمان نزول آیات را یادآوری کرده و آن را نشانگر ضمیر خردمند و علم لدنی خویش می‌شمارد (فراش کوفی، ۱۴۱۰، ص ۱۸۸)؛ ابن مسعود نیز خود را آگاه به اسباب نزول معرفی کرده و به آن افتخار می‌کند (معرفت، [بی‌تا]، ج ۱، ص ۲۱۷-۲۱۸). بهره‌گیری مفسران از روایات اسباب نزول در تفسیر قرآن نیز حاکی از جایگاه ویژه آن در نزد ایشان است؛ آنچنان که حجم بسیاری از تفسیر صحابه و تابعان، به بیان اسباب نزول آیات اختصاص یافته است.

اهمیت این بحث تا آنجاست که برخی چون واحدی نیشابوری، تفسیر آیات را بدون اشراف به سبب نزول، ناممکن دانسته‌اند (واحدی، ۱۴۱۱، ص ۱۰)؛ همچنان‌که شاطبی به دو دلیل «لزوم شناخت قرینه‌های خارجی کلام برای انتقال به مقتضای حال» و «رفع اجمال آیات» شناخت اسباب نزول را ضروری می‌داند (ر.ک: شاطبی، ۱۴۱۷، ج ۴، ص ۱۴۶-۱۵۱)؛ افزون‌براین شناخت فلسفه تشریح احکام، دفع توهم انحصار حکم آیه به مورد سبب نزول، نادرستی تخصیص آیه به مورد سبب نزول، کمک به فهم صحیح آیه، زدودن اشکال و جلوگیری از برداشت‌های ناصواب نیز از جمله فوایدی هستند که زرکشی برای آن یادآور شده (زرکشی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۲۲) و زرقانی به شرح و تفصیل آنها پرداخته است (ر.ک: زرقانی،

اسباب نزول قرآن؛ منابع و چالش‌ها

۱۴۱۶، ج ۱، ص ۷۸-۸۱)؛ در این پیوند سیوطی نیز از فایده دیگری با عنوان تفسیر الفاظ مبهم (اسم‌های اشاره، موصول‌ها و ضمائر) یاد کرده است (سیوطی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۸۹)؛ محققان معاصر نیز فواید دیگری را افزوده (ر.ک: حجتی، ۱۳۷۷، ص ۶۹-۱۰۳) و برخی از پژوهشگران تا بیست فایده را بر شمرده‌اند (ر.ک: سعد، ۱۹۹۸، ص ۶۹-۹۰/ ازهری، ۱۴۱۵، ص ۴۲-۵۲).

در مجموع کمک به فهم درست آیات و پیشگیری از برداشت‌های نادرست، دو فایده اصلی و مهم اسباب نزول دانسته شده است (معرفت، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۲۴۱-۲۴۲)؛ برای مثال از آیه ۱۵۸ سوره بقره می‌توان مباح بودن سعی میان صفا و مروه را دریافت؛ نه وجوب آن را (ر.ک: ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۳۴۱-۳۴۲)، درحالی‌که سبب نزول نشان می‌دهد این آیه ناظر به ذهنیت مسلمانانی نازل شده است که از سعی خودداری می‌کردند؛ زیرا مشرکان بر کوه صفا و مروه دو بت گذاشته بودند و میان آن دو «سعی» می‌کردند؛ ازاین‌رو برخی از مسلمانان سعی میان صفا و مروه را نمودی از شرک می‌پنداشتند (بخاری، ۱۴۰۱، ج ۶، ص ۵۱/ طبری، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۲۷-۲۸)؛ همچنین ابن مظعون با استناد به آیه پنجم سوره نساء گمان می‌کرد پیشینه شرکت در جنگ بدر مجوز نوشیدن شراب و ارتکاب گناهان دیگر است؛ حال آنکه این آیه درباره مسلمانانی نازل گردیده که پیش از نزول آن از دنیا رفته و مرتکب این گناه شده بودند (ابن عربی، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۶۵۹-۶۹۰/ قرطبی، ۱۳۸۷، ج ۶، ص ۲۹۷-۲۹۸)؛ به همین دلیل ابن عباس با توجه به این سبب نزول، معنای درست آیه را به وی گوشزد می‌کند (شاطبی، ۱۴۱۷، ج ۴، ص ۱۵۰-۱۵۱)؛ همچنین در آیه تطهیر (احزاب: ۳۳) نیز توجه به سبب نزول است که مصداق روشن «اهل البیت» را امام علی، حضرت فاطمه، امام حسن و امام حسین علیهم‌السلام معرفی می‌نماید (ر.ک: طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۲، ص ۷-۵/ سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۱۹۸).

شناخت شخصیت‌های صدر اسلام و برخی صحابه، از دیگر فواید اسباب نزول است؛ این شناخت می‌تواند ملاک داوری درباره آنان باشد؛ برای نمونه آیه ششم سوره حجرات ولیدبن عقبه را فاسق می‌خواند (واحدی، ۱۴۱۱، ص ۴۰۶-۴۰۷)؛ این‌گونه از سبب‌های نزول همچنین نشان می‌دهد که همه افراد صحابه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در آیه صدم سوره توبه مراد نیست و پیرو همین استثناء، قاعده عدالت همه صحابه مخدوش می‌شود.

۲. عام بودن واژه و خاص بودن سبب

در بیشتر موارد اسباب نزول، گرچه حادثه خاصی رخ داده است، اما واژگان آیه‌ای که درباره آن نازل شده، از ساختار عام و کلی برخوردار هستند (ر.ک: معرفت، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۲۶۱)، اکثریت قریب به اتفاق مفسران و دانشمندان علوم قرآنی بر این باورند که در این گونه موارد، عموم لفظ تقدم داشته و می‌توان از آیه، حکم کلی را استنباط نمود و در هر رویداد مشابهی آن را جاری کرد (ر.ک: سیوطی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۸۹/زرقانی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۸۹/طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۴۲)؛ در مقابل، به گزارش سیوطی برخی از دانشمندان اصول فقه حکم آیات را منحصر در سبب نزول آن می‌دانند (ر.ک: ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۹۱-۸۹)؛ بنابراین دیدگاه؛ برای مثال آیات ظهار (مجادله: ۲ و ۴) به اوس بن صامت اختصاص خواهد داشت؛ چراکه درباره وی نازل شده است (واحدی، ۱۴۱۱، ص ۴۲۸/طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹، ص ۳۷۱)؛ همچنین حکم آیات لعان (نور: ۶ و ۹) نیز به هلال بن امیه (بخاری، ۱۴۰۱، ج ۳، ص ۱۶۰) منحصر می‌شود، اما از منظر همین گروه باید به کمک قیاس یا حدیث نبوی که بر اساس آن، حکم بر واحد و جماعت یکسان است (غزالی، ۱۴۱۷، ص ۲۳۵/ابن قدامه، [بی تا]، ج ۲، ص ۴۰۶/ابن ابی جمهور احسانی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۴۵۶/همان، ج ۲، ص ۹۸)، حکم آیه را به همه موارد مشابه سبب نزول تسری داد (ر.ک: زرقانی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۸۹-۸۸)؛ از این رو به لحاظ نتیجه، تفاوتی میان این دو دیدگاه نیست و هیچ‌یک از آنها دلالت آیات را به افراد و جزئیات سبب نزول منحصر ندانسته و بر استمرار و ابدیت آنها باور دارند؛ زمخشری این عمومیت واژگان را - به‌ویژه در آیات مشتمل بر وعید - موجب تأثیر بیشتر کلام در مخاطب دانسته و بر این باور است که با به‌کارگیری واژگان عام، آیات، شکل تعریض به خود گرفته و بدون تصریح به نام مخاطب، او را از کار ناروا باز می‌دارد (ر.ک: ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۷۹۵).

البته در موارد محدودی، گرچه واژگان به‌کار رفته در آیه عام است، اما نمی‌توان مفاد آن را به غیر مورد سبب، تسری داد؛ مانند آیه ولایت (مانده: ۵۵) که برابر روایات گوناگونی که در منابع شیعه (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۳۲۴/حویزی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۶۴۳) و اهل سنت (طبری، ۱۴۱۲، ج ۶، ص ۱۸۶/واحدی، ۱۴۱۱، ص ۲۰۱/حاکم حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۲۰۹) آمده درباره

اسباب نزول قرآن؛ منابع و چالش‌ها

امام علی بن ابی طالب علیه السلام و انفاق آن حضرت در حال رکوع، نازل شده است؛ در این آیه، واژگان عامی همچون «الَّذِينَ آمَنُوا» تنها به سبب نزول (امام علی علیه السلام) اختصاص داشته و به دیگران تعمیم داده نمی‌شود (← مقاله آیه ولایت).

۳. آسیب‌ها و دشواری‌های سبب نزول

ضعف روایات و گاه مجهول بودن راویان آنها، بازگویی قضایای متعدد و در پاره‌ای از موارد متناقض در ذیل یک آیه، و نیز ناسازگاری سبب نقل شده با زمان نزول آیه و ناسازگاری با سیاق، عمده‌ترین آسیب‌های روایات سبب نزول به‌شمار می‌روند (ر.ک: معرفت، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۲۴۵).

۳-۱. اعتبار روایات

از آنجاکه دانش اسباب نزول، دانشی نقلی - و نه اجتهادی - است و تنها راه دستیابی به آن، روایت است، دانشمندانی چون واحدی (واحدی، ۱۴۱۱، ص ۸۷) و پس از وی سیوطی (سیوطی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۸۷) به گزینش روایات اسباب نزول روی آورده و آنچه را صحیح می‌پنداشتند، در مجموعه‌ای گرد آوردند؛ طبیعی است که نخستین مرجع بازگویی گزارش‌ها صحابه‌ای بودند که در هنگام نزول وحی شاهد ماجرا بوده و حضور داشتند؛ چراکه نقل مستقیم سبب نزول از شخص پیامبر صلی الله علیه و آله تنها در مواردی نادر اتفاق افتاده است؛ جز آنکه در این باره از آن حضرت پرسش شده یا در تفسیر آیه‌ای به سبب نزول آن استناد کرده باشد.

گفته‌های صحابه در باره اسباب نزول، در بردارنده گزارش‌ها یا تحلیل و برداشت‌های ایشان از نزول برخی آیات در پی حادثه یا حوادثی است؛ برخی از اهل سنت، سخن صحابه شاهد نزول وحی را در حدّ روایات پیامبر صلی الله علیه و آله بالا برده و در حکم حدیث مسند و مرفوع (در برابر حدیث موقوف) قرار داده‌اند (حاکم نیشابوری، ۱۴۰۰، ص ۱۴ / ابن عبدالبر، ۱۳۸۷، ج ۴، ص ۲۶۳)؛ گرچه این رویکرد با وجود اعمال نظر و کاستی‌هایی چون سهو و خطا در کلام صحابه سازگاری ندارد (ر.ک: ذهبی، [بی‌تا]، ج ۱، ص ۹۴ / طباطبایی، ۱۳۷۹، ص ۴۳-۴۴). سیوطی روایات تابعان را نیز با دو شرط «صحت سند تا فرد تابعی» و «نقل مستقیم آن تابعی از صحابه» از نوع

حدیث مرفوع به‌شمار آورده است (سیوطی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۹۴).
 برخی از قرآن‌پژوهان به‌رغم این باور که دانستن اسباب نزول، موجب آگاهی بیشتر از مضمون آیات می‌شود (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۷۹، ص ۱۰۳)، روایات سبب نزول را آنچنان که باید معتبر نمی‌دانند (ر.ک: همو، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۸)، ولی گروهی از معاصران بر این باورند که چنانچه صحابی گزارش‌کننده سبب نزول، از عدالت و وثاقت لازم برخوردار بوده و سخنانش از طریق مناسبی که در آن جااعلان حضور نداشته باشند به‌دست آمده باشد و گره از کار فهم درست آیه به‌طور کامل باز کند، قابل اعتماد خواهد بود و در این صورت نیازی به استناد آنها به پیامبر اکرم ﷺ نیست؛ زیرا هدف مفسر، فهمیدن مراد آیه از منابع گوناگون بوده و لزومی ندارد که تمامی منابع یادشده، منابعی یقینی و مستند به وحی (قرآن)، سنت نبوی و ائمه اطهار ﷺ باشند؛ بنابراین در صورتی که روایت مزبور بتواند ارتباط منطقی بین اجزای آیه برقرار کند، به شرط «تعارض نداشتن با قطعیات»، بهره‌گیری از آن در فهم آیه رواست (ر.ک: معرفت، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۲۴۵-۲۴۸)؛ اگرچه گروهی از قرآن‌پژوهان نیز نسبت‌دادن احتمالی - و نه قطعی - مفاد آن به خداوند را - در مواردی که یقین به نادرستی و نامعتبر بودن آنها نباشد - شرط دانسته‌اند (بابایی، ۱۳۷۹، ص ۱۶۳).

۲-۳. تعدد اسباب نزول

یکی دیگر از مشکلات در این باره، تعدد اسباب نزول است که مفسران راهکارهایی را در این زمینه ارائه کرده‌اند:

۱-۲-۳. تکرار نزول

یکی از راهکارهای پیشنهادشده برای حل تعارض‌ها، اعتقاد به تکرار نزول برخی از آیات است؛ زرکشی ضمن ارائه این پیشنهاد، و در توجیه آن، فلسفه تعدد نزول را بزرگداشت آیه یا جلوگیری از فراموش شدن آن دانسته است (زرکشی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۱۲۳)؛ پس از وی، سیوطی با فرض نقل شدن دو روایت صحیح، اما متناقض درباره یک آیه و به شرط وجود فاصله زمانی زیاد بین دو سبب - به‌گونه‌ای که نتوان قائل به تعدد سبب و وحدت نزول شد - راهکار تعدد

اسباب نزول قرآن؛ منابع و چالش‌ها

نزول را راه‌حل مشکل دانسته است (سیوطی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۹۶).

به رغم دیدگاه پیش‌گفته دانشمندان شیعه آموزه چندبارگی نزول را رد کرده، پذیرش آن را به مواردی منحصر می‌دانند که رسول خدا ﷺ یا یکی از معصومان علیهم‌السلام به آن تصریح کرده باشند (ر.ک: سبزواری، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۴۰-۴۴)؛ ازسویی، پاره‌ای از موارد که سیوطی و دیگران درباره آنها ادعای تکرار نزول کرده‌اند از راه‌های منطقی دیگری قابل جمع و حل است؛ مانند سوره اخلاص که سیوطی نزول آن را چندباره دانسته (سیوطی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۴۶-۱۰۴) و دلیل وی روایاتی است که نزول آن را یک‌بار در مکه و در پاسخ مشرکان از نسب و صفات خدا و بار دیگر در مدینه و در پاسخ به اهل کتاب بیان کرده‌اند (همو، ۱۴۰۴، ج ۶، ص ۴۱۰). درحالی‌که این دو روایت بیش از این، دلالت ندارند که سوره اخلاص یا در پاسخ مشرکان مکه یا در پاسخ به اهل کتاب - در مدینه - نازل شده است که به قرینه برخی از روایات دیگر (ر.ک: ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۱۰، ص ۳۳۳/بغوی، ۱۴۲۰، ج ۵، ص ۳۲۹/طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۸۵۹)، پرسش یهودیان (اهل کتاب) از رسول خدا ﷺ می‌تواند در مکه اتفاق افتاده باشد؛ افزون بر آنکه سوره مزبور می‌تواند در مکه و در پاسخ به مشرکان نازل شده و سپس رسول خدا ﷺ در مدینه نیز در پاسخ به پرسش یهودیان آن را تلاوت کرده باشد.

همچنین درباره آیه روح (اسراء: ۸۵) نیز این‌کثیر ادعای چندبارگی نزول کرده است؛ چراکه بر اساس روایت ابن‌عباس در مکه و بنا بر روایتی از ابن‌مسعود در مدینه و در پاسخ به پرسش یهودیان فرستاده شده است (ابن‌کثیر، ۱۴۱۹، ج ۵، ص ۱۰۴). درحالی‌که روایت ابن‌مسعود از چنین دلالتی برخوردار نیست؛ زیرا برابر این روایت، رسول خدا ﷺ پس از پرسش یهودیان درباره روح، اندکی سکوت و درنگ نمودند و ابن‌مسعود از این حالت، چنین پنداشت که بر آن حضرت ﷺ وحی نازل می‌شود؛ گواه نکته یادشده، اینکه در روایت بازگوشده از احمدبن حنبل (ر.ک: ابن‌حنبل، [بی‌تا]، ج ۱، ص ۳۸۹) و طبری (طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۵، ص ۱۰۴)، واژه «ظَنَنْتُ» (من گمان کردم) وجود دارد، ولی واژه مزبور بر اثر سهو یا خطای برخی، آن‌گونه که بخاری در صحیح بازگو نموده به «عَلِمْتُ» و «عَرَفْتُ» تحریف شده است (بخاری، ۱۴۰۱، ج ۵، ص ۲۲۸).

۲-۲-۳. تفکیک میان واژگان دال بر سبب نزول

در منابع، اسباب نزول با الفاظی همچون «نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ فِي...» پیش از بیان رویداد و واژگانی همچون «فَنَزَلَتْ»، «فَأَنْزَلَ اللَّهُ» یا «ثُمَّ نَزَلَ» پس از ذکر واقعه، نقل شده‌اند (ر.ک: بخاری، ۱۴۰۱، ج ۱، ص ۲۲۵/همان، ج ۲، صص ۴۳، ۷۶، ۱۰۸، ۱۱۴ و ۱۶۹/کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱، صص ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۲ و ۴۲۷/همان، ج ۲، ص ۸۸/همان، ج ۷، ص ۲۴۵/واحدی، ۱۴۰۱، ص ۸۶/طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۴۷۶)؛ در این پیوند سیوطی برای نخستین بار نوع تعبیر به کاررفته در روایات سبب نزول را معیاری برای بازشناسی آن روایات از تطبیق حکم عام آیه دانسته است؛ به باور وی تعبیر «نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ فِي...» - برخلاف دیگر تعبیرهای یادشده - در بیان سبب نزول آیه صراحت ندارد؛ در نتیجه اگر برای آیه‌ای اسباب متعدد نقل شده و یکی در بردارنده تعبیر «نَزَلَتْ فِي...» و دیگری مشتمل بر «فَأَنْزَلَ اللَّهُ» باشد، روایت نخست، تفسیر و بیان مصداق آیه و روایت دوم، سبب نزول آن خواهد بود؛ زیرا روایت نخست، استنباط و اجتهاد راوی و روایت دوم، نقل وی می‌باشد (ر.ک: سیوطی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۸۹-۹۴)؛ در مقابل، برخی این تفکیک را نپذیرفته و بر این باورند که هیچ‌یک از تعبیرهای یادشده دلالت قطعی بر سبب نزول ندارد؛ زیرا ممکن است رسول خدا ﷺ آیه‌ای را که پیش‌تر نازل شده به مناسبتی دوباره در رویدادی تلاوت نموده و راویان، این مورد را نیز با تعبیری چون «فَنَزَلَتْ» یا «نَزَلَتْ الْآيَةُ» نقل کرده باشند (دهلوی، ۱۳۸۲، ص ۱۰۸/قاسمی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۲۱-۲۵).

۲-۲-۳. تعدد سبب با وحدت نزول

راه‌حل سیوطی برای مواردی که دو یا چند سبب برای یک آیه بیان شده، این است که چنانچه سند یکی از آنها صحیح و دیگری ناصحیح باشد، روایت صحیح پذیرفته خواهد شد؛ همچنین اگر سند روایات بازگو شده یکسان باشد نیز روایتی که دارای مرجحی (مانند حضور روایتگر سبب در محل واقعه) باشد، پذیرفته می‌شود، اما در صورت وجود نداشتن مرجح و طولانی نبودن فاصله بین دو رویداد، هر دو، سبب یک واقعه تلقی می‌شوند؛ مانند دو رویدادی که برای آیات لعان (نور، ۸۵) نقل شده است (ر.ک: بخاری، ۱۴۰۱، ص ۴-۶)؛ همچنین در

اسباب نزول قرآن؛ منابع و چالش‌ها

صورت امکان‌پذیر نبودن چنین جمعی یا وجود فاصله طولانی، ناگزیر تعدد نزول در آیه پذیرفته می‌شود (ر.ک: سیوطی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۹۴-۹۷).

۳-۲-۴. تعدد نزول با وحدت سبب

گاه یک روایت سبب نزول، درباره آیات گوناگون بازگو شده و همین امر سبب گردیده است تا برخی گمان کنند که یک حادثه موجب نزول چند آیه شده است (زرقانی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۸۷)؛ مانند ماجرای مردی که رسول خدا ﷺ درباره او فرمودند که با دو چشم شیطان نگاه می‌کند؛ همچنان که وی و همراهانش به خاطر دشنام به پیامبر ﷺ مورد سرزنش قرار گرفتند، اما سوگند یادکردن د که دشنام نداده‌اند و پیامبر ﷺ از آنان درگذشت؛ این داستان توسط راوی واحد (ابن عباس) درباره آیه ۷۴ سوره توبه (طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۰، ص ۱۲۸) و آیه ۱۸ سوره مجادله (احمدبن حنبل، [بی‌تا]، ج ۱، ص ۲۴۰ / حاکم نیشابوری، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۴۸۲) به‌عنوان سبب نزول نقل شده است؛ هرچند این احتمال وجود دارد که برخی راویان به دلیل تشابه دو آیه، دچار خطا شده و سبب نزول را برای آیه‌ای به جای آیه دیگر آورده باشند.

۳-۲-۵. توجه به جعل و تحریف برخی روایات

بی‌تردید در میان روایات اسباب نزول، روایات جعلی یا تحریف‌شده وجود دارد؛ اعتماد به این‌گونه از روایات، پیامدهایی را به‌همراه دارد که عبارت‌اند از: برداشت‌های ناصواب از برخی آیات و گاه احکام فقهی نادرست، نسبت‌دادن ویژگی‌های ناشایست به رسول خدا ﷺ، مثبت نشان‌دادن چهره‌های منفی در صدر اسلام و بالعکس؛ نمونه آن، سبب نقل‌شده درباره آیه ۱۱۳ سوره توبه است که برخی از اهل سنت، آن را در شأن ابوطالب، عموی پیامبر ﷺ دانسته و بر اساس آن به کفر ایشان حکم داده‌اند (طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۱، ص ۳۰ / زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۱۴-۳۱۵ / فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۶، ص ۱۵۷)؛ مستند آنان نیز روایتی از سعیدبن مسیب است که مصداق مشرکان در آیه را ابوطالب معرفی می‌کند (ابن حنبل، [بی‌تا]، ج ۵، ص ۴۳۳ / بخاری، ۱۴۰۱، ج ۵، ص ۲۰۸)، در حالی که آیه مزبور در اواخر دوران مدینه بر پیامبر ﷺ وحی شده و وفات ابوطالب چند سال پیش از هجرت رخ داده است (ر.ک: یعقوبی، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۳۶).

طبرسی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۲۸۲ / معرفت، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۲۴۹؛ افزون بر آنکه به گواهی برخی از روایات، ایمان ابوطالب، به اصحاب کهف تشبیه شده است که در دل ایمان داشتند، ولی آن را به زبان نمی‌آوردند (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۴۴۸ / بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۴۶)؛ نمونه‌های بارز دیگری از روایات مجعول، افسانه غرانیق مربوط به نزول سوره نجم (ر.ک: طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۷، ص ۱۳۱-۱۳۵ / ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۵، ص ۳۸۷) و ازدواج پیامبر ﷺ با زینب بنت جحش ذیل آیه ۳۷ سوره احزاب (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۲۰۱) می‌باشد که موجب وهن رسول خدا ﷺ است. وجود روایات مجعول و ضعیف، باعث شد تا قرآن پژوهی چون واحدی به تألیف کتابی در اسباب نزول روی آورد که عاری از این‌گونه روایات باشد (واحدی، ۱۴۱۱، ص ۱۰)، ولی به‌ظاهر تلاش وی و نیز دانشمندان پس از او در پالایش روایات صحیح از ناصحیح، شخصی چون سیوطی را قانع نساخت و از این‌رو او خود با نگارش کتابی به نام لباب النقول فی اسباب النزول گامی در پیرایش روایات اسباب نزول برداشت، اما به‌نظر می‌رسد وی نیز چنان‌که باید در این زمینه موفق نبوده است (معرفت، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۲۴۷-۲۴۸)؛ زیرا او نیز روایات ضعیفی را در کتاب خود بازگو کرده است؛ مانند آنچه در شأن نزول آیات ۱۲۶ تا ۱۲۸ سوره نحل بیان نموده و آن را به جنگ احد مربوط دانسته است (سیوطی، [بی‌تا]، ص ۱۳۵)، در حالی که سوره نحل مکی است؛ افزون‌بر این وی مانند برخی دیگر، روایتی را در شأن نزول آیه ۱۱۳ سوره توبه مبنی بر کفر ابوطالب نقل می‌کند (همان، ص ۱۲۶).

۳-۳. توجه به رابطه سیاق و سبب

یکی از دشواری‌های روایات اسباب نزول، ناسازگاری برخی از آنها با سیاق آیات است؛ آنچنان‌که گاه به‌رغم وحدت سیاق دو آیه، دو سبب نزول گوناگون برای آنها بیان شده (نساء: ۵۷ و ۵۸ / زرکشی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۲۶)، یا گاه برای دو بخش از یک آیه با سیاق واحد، دو سبب جداگانه بازگو گردیده است؛ برای نمونه در پاره‌ای از روایات، سبب نزول صدر آیه ۴۳ سوره نساء: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ» مست‌شدن گروهی از مسلمانان در هنگام برپاداشتن نماز دانسته شده، ولی روایات دیگری از پیامبر ﷺ

اسباب نزول قرآن؛ منابع و چالش‌ها

سبب نزول ذیل همان آیه: «حَتَّىٰ تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ» را مستی خواب بیان نموده است (ر.ک: ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۲۷۳).

از نگاه سیوطی در این‌گونه موارد، سبب نزول اشکالی نداشته و متعدد و مستقل است؛ درعین حال رسول خدا ﷺ این بخش‌ها را کنار هم قرار داده‌اند تا با تشکیل سیاقی یکسان، آیه یگانه‌ای سامان یابد؛ در چنین آیاتی بخش دوم آیه، افزون‌براینکه بیانگر حکم مورد نزول خود است، حاکی از حکم بخش پیشین نیز می‌باشد (ر.ک: سیوطی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۱۰۶-۱۰۸)؛ برابر این انگاره، پیامبر اکرم ﷺ عبارت «حَتَّىٰ تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ» را کنار بخش نخست آیه قرار دادند تا هم بیانگر حکم ممنوعیت نماز در هنگام خواب باشد و هم حاکی از حکم ممنوع بودن نماز در حال مستی؛ هرچند برخی از دانشمندان معاصر، سیاق را ملاک ارزیابی سبب نزول دانسته‌اند و با این ملاک به حل مشکل و ردّ یا پذیرش روایات متعارض پرداخته‌اند (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۳۸۷-۳۸۸ / معرفت، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۱۸۱-۱۹۸).

نتیجه

نتایج به‌دست آمده در تحقیق حاضر را به شرح ذیل می‌توان بیان کرد:

۱. به وقایع زمینه‌ساز نزول برخی از آیات قرآن اسباب نزول اطلاق می‌شود.
۲. منابع شناخت اسباب نزول، دو دسته هستند: منابعی که به‌صورت غیرمستقل به این بحث پرداخته‌اند؛ مانند مصحف امام علی علیه السلام، کتاب‌ها و تفسیرهای روایی یا تفاسیر اجتهادی جامع و دسته دیگر منابعی هستند که به‌طور مستقل برای این موضوع نگاشته شده‌اند؛ مانند التزیل یا اسباب النزول علی بن عبدالله بن جعفر مدینی بصری، اسباب النزول واحدی نیشابوری و اسباب النزول قطب‌الدین راوندی.
۳. زرکشی در البرهان فی علوم القرآن شیوه بحث در مورد اسباب نزول را متحول کرد و برای نخستین بار مباحث نظری و مبانی این دانش را به‌صورت جامع گردآوری نمود. گروهی از متأخران مانند سیوطی نیز شیوه مزبور را دنبال نمودند.
۴. درباره شمارگان اسباب نزول، برخی معتقدند که اکثر آیات قرآن سبب نزول خاصی

ندارند. عده‌ای از پژوهشگران معاصر نیز با تفکیک میان سبب نزول عام و سبب نزول خاص، همه آیات را دارای سبب نزول عام و تنها برخی آیات را دارای سبب نزول خاص می‌دانند. به هر حال مجموع روایات مربوط به اسباب نزول، حدود نهصد روایت است که بیش از نیمی از آنها به صحابه تعلق داشته و از میان آنها بیش از سیصد روایت از ابن‌عباس نقل شده‌است.

۵. کمک به فهم درست آیات، پیشگیری از برداشت‌های نادرست، شناخت فلسفه تشریح احکام، شناخت شخصیت‌های صدر اسلام و برخی صحابه از فواید مهم شناخت اسباب نزول است.

۶. در بیشتر موارد اسباب نزول، گرچه حادثه خاصی رخ داده است، اما بنابر نظر اکثریت قریب به اتفاق مفسران و دانشمندان علوم قرآنی حکم آیه منحصر در سبب نزول نیست. مخالفان این نظر نیز به کمک قیاس یا حدیث نبوی حکم آیه را به همه موارد مشابه سبب نزول تسری می‌دهند.

۸. ضعف روایات، بازگویی قضایای متعدد و در پاره‌ای از موارد متناقض در ذیل یک آیه، ناسازگاری سبب نقل شده با زمان نزول آیه یا سیاق آیات، عمده‌ترین آسیب‌های روایات سبب نزول به‌شمار می‌روند. قول به تعدد اسباب نزول، تفکیک میان واژگان دال بر سبب نزول، رجوع به روایت صحیح یا دارای مرجح در موارد تعدد سبب با وحدت نزول، احتمال خطای راوی در موارد تعدد نزول با وحدت سبب به دلیل شباهت برخی آیات، توجه به پدیده جعل و تحریف در برخی روایات و توجه به سیاق آیات از جمله راهکارهای برون‌رفت از این آسیب‌هاست.

منابع

۱. آقابزرگ تهرانی، محمد محسن؛ الذریعة إلى تصانیف الشيعة؛ بيروت: دارالأضواء، ۱۴۰۳ق.
۲. ابن ابی جمهور احسائی، محمد بن علی؛ عوالی اللئالی العزیزية فی الأحادیث الدینیة؛ تحقیق مجتبی عراقی؛ قم: مطبعة سيد الشهداء، ۱۴۰۳ق.
۳. ابن اثیر، مبارک بن محمد؛ النهایة فی غریب الحدیث والأثر؛ تحقیق طاهر احمد الزاوی و محمود محمد طنحی؛ قم: انتشارات اسماعیلیان، ۱۳۶۴.
۴. ابن حنبل، احمد؛ مسند احمد بن حنبل؛ بيروت: دار صادر، [بی تا].
۵. ابن عبدالبرّ (قرطبی)، یوسف بن عبداللّه؛ التمهید؛ تحقیق مصطفی علوی و محمد بکری؛ مغرب: وزارة عموم الأوقاف والشؤون الإسلامیه، ۱۳۸۷ق.
۶. ابن عربی، محمد بن عبداللّه؛ أحكام القرآن؛ تحقیق علی محمد بجاوی؛ بيروت: دار إحياء التراث العربی، [بی تا].
۷. ابن قدامة، عبداللّه بن احمد؛ المغنی؛ بيروت: دارالکتب العربی، [بی تا].
۸. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر؛ تفسیر القرآن العظیم (تفسیر ابن کثیر)؛ تحقیق محمد حسین شمس الدین؛ بيروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۹ق.
۹. ابوحیان اندلسی، محمد بن یوسف؛ البحر المحیط فی التفسیر؛ تحقیق صدقی محمد جمیل؛ بيروت: دارالفکر، ۱۴۲۰ق.
۱۰. ازهری، نادى بن محمود حسن؛ نهایة السؤل فی ما استدرک علی الواحدی والسیوطی من أسباب النزول؛ طنطا: دارالصحابه للتراث، ۱۴۱۵ق.
۱۱. بابایی، علی اکبر و دیگران؛ روش شناسی تفسیر قرآن؛ قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۹.
۱۲. بخاری، محمد بن اسماعیل؛ صحیح البخاری؛ بيروت: دارالفکر، ۱۴۰۱ق.
۱۳. بغوی، حسین بن مسعود؛ معالم التنزیل (تفسیر بغوی)؛ تحقیق عبدالرزاق مهدی؛ بيروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
۱۴. بهجت پور، عبدالکریم؛ تفسیر تنزیلی (به ترتیب نزول)؛ تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۲.

۱۵. ثعلبی، احمد بن ابراهیم؛ الكشف والبيان فی تفسیر القرآن (تفسیر ثعلبی)؛ تحقیق ابن عاشور و ساعدی؛ بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۲۲ق.
۱۶. جوادی آملی، عبدالله؛ تسنیم (تفسیر قرآن کریم)؛ قم: نشر اسراء، ۱۳۷۸.
۱۷. حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله؛ كشف الظنون عن اسامی الكتب والفنون؛ تحقیق سید شهاب الدین مرعشی نجفی؛ بیروت: دار إحياء التراث العربی، [بی تا].
۱۸. حاکم حسکانی، عبیدالله بن عبدالله؛ شواهد التنزیل؛ تحقیق محمد باقر محمودی؛ تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۱ق.
۱۹. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله؛ المستدرک علی الصحیحین؛ تحقیق یوسف مرعشلی؛ بیروت: دارالمعرفه، [بی تا].
۲۰. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله؛ معرفه علوم الحدیث؛ تحقیق سید معظم حسین؛ بیروت: دارالآفاق الحدیث، ۱۴۰۰ق.
۲۱. حجتی، سید محمد باقر؛ أسباب النزول؛ تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۷.
۲۲. حسینی بحرانی، سید هاشم؛ البرهان فی تفسیر القرآن؛ تهران: بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ق.
۲۳. حویزی، عبدعلی بن جمعه؛ تفسیر نورالثقلین؛ تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی؛ قم: انتشارات اسماعیلیان، ۱۴۱۲ق.
۲۴. دهلوی، ولی الله احمد بن عبد الرحیم؛ الفوز الکبیر فی أصول التفسیر؛ ترجمه سید سلیمان حسینی ندوی؛ زاهدان: انتشارات صدیقی، ۱۳۸۲.
۲۵. ذهبی، محمد حسین؛ التفسیر والمفسرون؛ بیروت: دار إحياء التراث العربی، [بی تا].
۲۶. زرقانی، محمد عبد العظیم؛ مناهل العرفان فی علوم القرآن؛ بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۶ق.
۲۷. زرکشی، محمد بن عبدالله؛ البرهان فی علوم القرآن؛ تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم؛ بیروت: دار إحياء الكتب العربی، ۱۳۷۶ق.
۲۸. زمخشری، محمود بن عمر؛ الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقوایل فی وجوه التاویل؛ بیروت: دارالکتاب العربی، ۱۴۰۷ق.
۲۹. سبزواری، سید عبدالاعلی؛ مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن؛ بیروت: مؤسسه اهل البيت (ع)، ۱۴۰۹ق.
۳۰. سعد، خالد خلیفه؛ علم أسباب النزول و اهميته فی تفسیر القرآن؛ بحرین: دارالحکمه، ۱۹۹۸م.
۳۱. سیوطی، جلال الدین؛ الإیتقان فی علوم القرآن؛ تحقیق سعید مندوب؛ بیروت:

اسباب نزول قرآن؛ منابع و چالش‌ها

- دارالفکر، ۱۴۱۶ق.
۳۲. سیوطی، جلال‌الدین؛ الدرالمشور فی تفسیر بالمأثور؛ قم: کتابخانه مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
۳۳. سیوطی، جلال‌الدین؛ لباب‌النقول فی أسباب‌النزول؛ تحقیق احمد عبد الشافی؛ بیروت: دارالکتب العلمیه، [بی‌تا].
۳۴. شاطبی، ابراهیم‌بن موسی؛ الموافقات فی أصول الشریعه؛ تحقیق مشهور بن حسن آل سلمان؛ بیروت: دار ابن‌عفان، ۱۴۱۷ق.
۳۵. طباطبائی، سید محمد حسین؛ قرآن در اسلام؛ تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۷۹.
۳۶. طباطبائی، سید محمد حسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ قم: نشر اسلامی، ۱۴۱۷ق.
۳۷. طبرسی، فضل‌بن حسن؛ إعلام‌الوری بأعلام الهدی؛ قم: مؤسسه آل‌البتیت لإحیاء التراث، ۱۴۱۷ق.
۳۸. طبرسی، فضل‌بن حسن؛ مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن؛ تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲.
۳۹. طبری، محمد بن جریر؛ جامع‌البیان فی تفسیر القرآن؛ بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۱۲ق.
۴۰. طوسی، محمد بن حسن؛ التبیان فی تفسیر القرآن؛ تحقیق احمد قصیر عاملی؛ بیروت: دار إحياء التراث العربی، [بی‌تا].
۴۱. عاملی، سید جعفر مرتضی؛ حقائق مهم پیرامون قرآن کریم؛ ترجمه سید حسن اسلامی؛ قم: نشر اسلامی، ۱۳۷۷.
۴۲. غزالی، محمد بن محمد؛ المستصفی فی علم‌الأصول؛ تحقیق محمد عبد الشافی؛ بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۷ق.
۴۳. فخر رازی، محمد بن عمر؛ التفسیر الکبیر (مفاتیح‌الغیب)؛ بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
۴۴. فرات کوفی، فرات بن ابراهیم؛ تفسیر فرات‌الکوفی؛ تحقیق محمد کاظم محمودی؛ تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۰ق.
۴۵. فراهیدی، خلیل بن احمد؛ العین؛ تحقیق مهدی مخزومی و ابراهیم سامرائی؛ قم: مؤسسه دارالهجره، ۱۴۱۰ق.
۴۶. قاسمی، محمد جمال‌الدین؛ محاسن التاویل (تفسیر قاسمی)؛ تحقیق محمد باسل عیون‌السود؛ بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۸ق.

۴۷. قرطبی، محمدبن احمد؛ الجامع لأحكام القرآن (تفسیر قرطبی)؛ تهران: انتشارات ناصرخسرو، ۱۳۶۴.
۴۸. کلینی، محمدبن یعقوب؛ الکافی؛ تحقیق علی اکبر غفاری؛ تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۶۳.
۴۹. مجلسی، محمدباقر؛ بحار الأنوار؛ تحقیق محمدباقر بهبودی؛ بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۵۰. معرفت، محمدهادی؛ التفسیر والمفسرون فی ثوبه القشيب؛ مشهد: الجامعه الرضويه للعلوم الإسلامیه، ۱۴۱۸ق.
۵۱. معرفت، محمدهادی؛ التمهيد فی علوم القرآن؛ قم: نشر اسلامي، ۱۴۱۵ق.
۵۲. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران؛ تفسیر نمونه؛ تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۷۴.
۵۳. نکونام، جعفر؛ درآمدی بر تاریخ گذاری قرآن؛ تهران: نشر هستی نما، ۱۳۸۰.
۵۴. نووی، محیی الدین بن شرف؛ شرح صحیح مسلم؛ بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۰۷ق.
۵۵. واحدی، علی بن احمد؛ أسباب نزول القرآن، تحقیق کمال بسیونی زغلول؛ بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۱ق.
۵۶. ویلیام گلن، هنری مرتن؛ کتاب مقدس؛ ترجمه فاضل خان همدانی؛ تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۸۰.
۵۷. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب؛ تاریخ یعقوبی؛ ج ۸، قم: مؤسسه فرهنگ اهل بیت (ع)، ۱۳۷۸.
58. Evolution and Scope of the History of the Quran (with Emphasis on Muslim and Orientalist Perspectives)
59. Majid Ma'aref: Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Tehran, Tehran, Iran
60. Rippin, Andrew, "Occasions of Revelation", Encyclopedia of the Qur'an, Ed. MC Auliffe, Jane Dammen, 5 vols., Leiden: Brill, 2006.
61. Wheeler, Brannon, "Asbab al – Nuzul", The Qur'an: An Encyclopedia, Ed. Leaman, Oliver, New York: Routledge, 2006.